

## **Presenting a Model of Educational Layout Policy Based on Behavioral Approach in Skills Training in Iran: A Qualitative Study**

**Nahid Moslemi<sup>1\*</sup>, Ali Hamidizade<sup>2</sup>, Hossein Khanifar<sup>3</sup>**

1. Ph.D. Student in Decision Making and Public Policy Making, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
2. Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
3. Professor, Department of Educational Management, Faculty of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: June 7, 2020; Accepted: July 7, 2020)

### **Abstract**

This research has been conducted with the aim of identifying the dimensions and components of educational policymaking based on behavioral approach and providing a suitable model in order to improve the current situation. The present study was applied in terms of the type of qualitative data and in terms of research method of Background Theory (Grand Theory). Participants in this study were based on the theory and principle of theoretical saturation, including 14 experts and experts available in the field of educational policymaking based on behavioral approach, who were selected by purposeful sampling. The data collection tool is a semi-structured interview. Data were analyzed using MAXQDA2018 software in three stages of open coding, central coding and selective coding. Data validation was done using the verification method by the contributors. Based on the findings of the research, the dimensions and components of model of educational layout policy based on behavioral approach in the field of skill training in 6 categories including central phenomenon (educational layout policy based on behavioral approach), causal conditions, contextual conditions, intervening factor, strategies and consequences and results were identified. Providing a suitable model and providing conditions can improve the effectiveness of policy-making training policies based on behavioral approach by policymakers for the country's educational system. It also showed the need for further studies to design a model of educational policymaking based on behavioral approach in the field of skills training in Iran.

**Keywords:** Behavioral approach, Educational layout policy, Policymaking, Skill training.

---

\* Corresponding Author, Email: Moslemi.n@ut.ac.ir

## ارائه مدل خطمشی گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی در ایران: یک مطالعه کیفی

ناهمید مسلمی<sup>۱\*</sup>، علی حمیدی زاده<sup>۲</sup>، حسین خنیفر<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری عمومی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران
۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران
۳. استاد، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷)

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری و ارائه مدل مناسب و در راستای ارتقای وضع موجود انجام گرفته است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کیفی و از نظر شیوه پژوهش بر اساس نظریه زمینه‌ای اجرا شده است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر اساس اصل اشباع نظری داده‌ها شامل ۱۴ نفر از افراد صاحب‌نظر و خبرگان در حوزه خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری بود که با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و نظری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختارمند بود. داده‌ها با نرم‌افزار MAXQDA2018، در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تحلیل شد. اعتبار داده‌ها با روش تأییدپذیری توسط مشارکت‌کنندگان صورت پذیرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی در شش طبقه شامل پدیده مرکزی (فراپند خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری)، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، عامل مداخله‌گر، راهبردها، و پیامدها و نتایج شناسایی شد. ارائه مدل مناسب و فراهم کردن شرایط می‌تواند اثربخشی خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری توسط سیاست‌گذاران را برای نظام آموزشی کشور بهبود بخشد. همچنین، لزوم انجام مطالعات بیشتر برای طراحی یک مدل خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی در ایران را نشان داد.

**واژگان کلیدی:** آموزش‌های مهارتی، خطمشی‌گذاری آموزشی، خطمشی‌گذاری، رویکرد رفتاری.

## مقدمه

در جوامع پیچیده و گسترده امروز، نهاد حکومت و کنش‌های آن، اجزای جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد. از این کنش‌ها، با عنوان سیاست عمومی یاد می‌شود. حکومت، نقش‌ها و کارویژه‌های خود را از طریق تنظیم این سیاست‌ها و اجرای آن‌ها به پیش می‌برد. سیاست‌های عمومی، از منظر رویکردها، روش‌ها، اهداف و موضوعات، متنوع و گوناگون هستند؛ می‌توان سیاست‌گذاری سیاسی، اقتصادی (صنعتی و فناوری، پولی و مالی)، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی، زیست‌محیطی، انرژی، شهری (مانند حمل و نقل و شهرسازی) و بهداشتی را از بسیاری جهات با یکدیگر متفاوت دانست؛ اما شاید بتوان گفت در تمامی این حوزه‌ها، انسان و اجتماعات انسانی در کانون تمرکز سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد.

امروزه اقتصاد جهانی مملو از چالش‌ها، مجادلات و مسائل حل نشده است. در این میان، مکاتب و رویکردهای مختلف برآنند که هم فهم بهتری از دنیای موجود برای ما فراهم کنند و هم در حل مشکلات یاری کرده و در نهایت، زمینه زندگی بهتری را برای ابنای بشر مهیا کنند. در این راه، غایت نظریه‌های اقتصادی حل مشکلات و معضلات اجتماعی، حتی فراتر از این، واکاوی‌هایی برای بهبود زندگی بشر و فراهم کردن بستر رفاهی مناسب برای آحاد افراد جامعه است. بی‌شک در این راه با سیاست‌های عمومی مواجهیم، یعنی جایی که برای دردهای جامعه نسخه تجویز می‌شود. اما هیچ تردیدی نیست که این سیاست‌گذاری عمومی مبتنی بر رویکردها، نظریات و چارچوب‌های فکری مشخصی است، برای همین مهم است که همواره این فرضیه‌ها و پایه‌های استدلالی و چارچوب فکری بررسی شوند. آنچه اخیراً در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است، اقتصاد رفتاری است؛ اقتصاد رفتاری افراد را به سبب عقلانیت محدود، خویش‌داری محدود، خودمنفعتی محدود، در معرض سوگیری‌ها و اشتباهات پیش‌بینی‌پذیر و نیز آسیب‌رسانی به خود می‌بیند و با پذیرش اصل قیم‌مآبی آزادی خواهانه توصیه می‌کند که با دستکاری در محیط انتخاب آدم‌ها (معماری انتخاب) باید به آن‌ها تلنگر زده شود، بلکه تصمیمی به نفع خودشان بگیرند (عقلانیت کامل). بدین‌سان، خط فکری اقتصاد رفتاری در نه مفهوم خلاصه می‌شود: عقلانیت

کامل، عقلانیت محدود، خویشتن‌داری محدود، خودمنفعتی محدود، میان‌برها، سوگیری‌ها، قیّم‌مآبی آزادی‌خواهانه، معماری انتخاب و تلنگر (عباسی، قلی‌پور و هادی، ۱۳۹۶). پذیرش هر یک از این رویکردها بر تدوین خط‌مشی‌ها در جامعه تأثیرگذار خواهد بود.

در این بین، آموزش‌های مهارتی در قرن حاضر اهمیت خاصی یافته است. زیرا بدون داشتن این گونه آموزش‌ها و افرادی که پنجه کارآمد داشته باشند، رشد اقتصادی و توسعه پایدار مقدور نمی‌باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای (مهارتی) روشی است برای آشناکردن و تمرین‌دادن افراد برای پرورش مهارت‌های فکری، عملی و اجتماعی، بنابراین، پهنه‌ای بسیار گسترده دارد (ضابط‌پور کردی و همکاران، ۱۳۹۷).

باتوجه به اهمیت فوق‌العاده آموزش فنی و حرفه‌ای و نقش آن در سیاست‌گذاری آموزشی داشتن یک ساختار مناسب، کارآمد و انعطاف‌پذیر لازم و واجب است. آموزش‌ها و صلاحیت‌های غیر رسمی افراد در کیفیت‌بخشی آن‌ها نقش بسزایی دارد. بنابراین، یکی از مهمترین منابع ایجاد قابلیت‌ها و توانایی‌های حرفه‌ای، آموزش‌های غیر رسمی اعم از ساختاریافته و ساختارنیافته است. بسیاری از افراد با برخورداری از سطح قابل قبول دانش نظری و کاربردی، از طریق طی دوره‌های آموزش حرفه‌ای مهارتی غیر دانشگاهی، توانایی خود را در انجام وظایف مورد انتظار تقویت می‌کنند. این آموزش‌ها در نظام آموزش به غیر از نظام رسمی آموزش ارائه می‌شود (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۲) با توجه به اهمیت این موضوع این پژوهش در صدد است تا مدلی برای خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری با ذکر جزئیات مربوط به مؤلفه‌ها و ابعاد و شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری را ارائه دهد.

مهار مدرک‌گرایی و جلوگیری از افزایش معضل بی‌رونقی آموزش‌های مهارتی که باید در دستور کار مسئولان ذیربط، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد، آموزش‌های فنی و مهارتی نقش مهمی را در آماده‌سازی افراد برای ورود به بازار کار آینده دارند. بنابراین، این آموزش‌ها ضروری به نظر می‌رسند، چراکه کشورها بدون آن نمی‌توانند به رشد اقتصادی و اجتماعی دست یابند. از طرفی، ورود الگوهای جدید آموزشی و نیازهای جدید و متنوع آموزشی باتوجه به

تغییرات تکنولوژیکی و تغییرات سبک زندگی و کار، مستلزم تغییر در سیاست‌های آموزش مهارتی و همسوسازی سیاست‌ها در این حوزه است (نفیسی، ۱۳۹۵). بنابراین، اهمیت توجه به نظام آموزش مهارتی، به ویژه سیاست‌گذاری در این حوزه نمایان است. در ایران نیز به سبب اهمیت نظام آموزش مهارتی و اهمیت انسجام و یکپارچگی در سیاست‌گذاری برای این نظام، بررسی و شناسایی مدل مطلوب سیاست‌گذاری در نظام آموزش فنی و مهارتی کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، باور محقق بر این است که عدم آشنایی سیاست‌گذاران حوزه آموزش و به طور خاص آموزش‌های مهارتی با کاربردهای رویکرد رفتاری منجر به ادامه روند سیاست‌گذاری بر پایه رویکرد سنتی شده، و این امر می‌تواند به هدررفت سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی در حوزه مهارت‌آموزی منجر شود. از این رو، با انجام پژوهش حاضر، نظام آموزش مهارتی کشور صاحب یک مدل خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری می‌شود و به عنوان یک منشور برای کلیه ذی‌نفعان، کاربرد خواهد داشت. همچنین، ابعاد و مؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری برای نظام آموزش مهارتی کشور شفاف‌تر می‌شود.

مطالعه پیش رو مبتنی بر دانش و تجربه‌های نظری و عملی پژوهشگر، سعی دارد مطالب ارزنده‌ای را در اختیار خوانندگان قرار دهد. با توجه به آنچه که بیان شد پژوهش حاضر هم راستا با هدف پاسخگویی و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری و ارائه مدل مناسب انجام شد.

سیاست‌گذاری عمومی به فعالیت‌های حکومت و مقاصدی که برانگیزنده این فعالیت‌هاست، اشاره می‌کند (ساندرز، اسنیچدرز هالس ورث<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸) و در معنایی دقیق‌تر، نظامی از قوانین، اصول، اولویت‌های مالی، دستورالعمل‌ها و مداخلات است که توسط یک شخص، گروه یا حکومت برای تغییر، حفظ یا ایجاد شرایط زندگی که به رفاه انسان‌ها منجر می‌شود، گرفته می‌شود

---

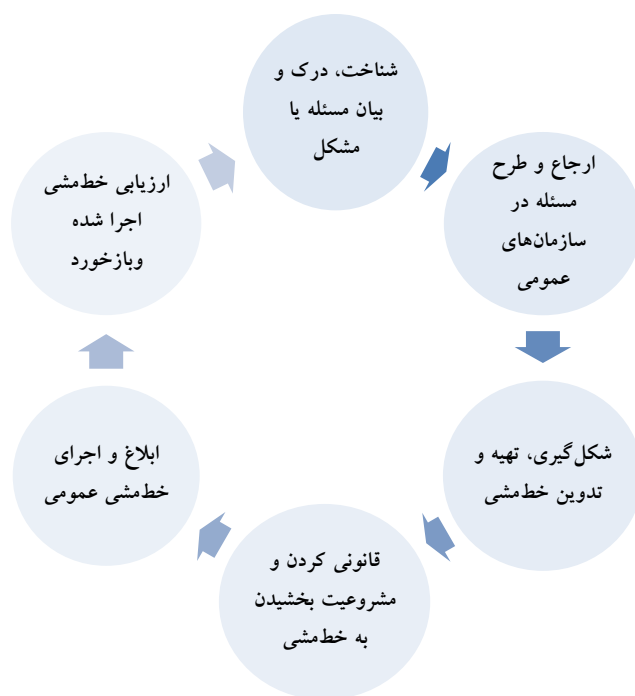
1. Sanders, Snijders & Hallsorth

(شفر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). بنابراین، این قوانین، اصول و مداخلات سعی دارند تا جامعه را به شیوه‌ای مطلوب شکل دهند تا به رفتارهایی بیانجامد که پیامد آن رفاه انسانی است.

اندرسون<sup>۲</sup> خط‌مشی عمومی را سلسله اقداماتی هدفدار توصیف می‌کند که توسط فرد یا گروهی از افراد قدرتمند و دارای مشروعیت خط‌مشی‌گذاری، برای مقابله و رفع یک مشکل عمومی شکل می‌گیرد. به طور ساده می‌توان گفت خط‌مشی عمومی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود. اما باید در نظر داشت که خط‌مشی عمومی صرفاً اتخاذ تصمیم نیست بلکه فرایندی است شامل تمام اقداماتی که از زمان احساس مشکل شروع می‌شود و به ارزیابی نتایج اجرای خط‌مشی ختم می‌شود. خط‌مشی عمومی دربرگیرنده اجزایی است که اصطلاحاً هدف، محتوا و اثر نامیده می‌شود. هدف به مقصدی گفته می‌شود که خط‌مشی عمومی برای نیل به آن شکل می‌گیرد. برای مثال ممکن است «هدف»، حل یک مشکل عمومی باشد. محتوا به بخشی از خط‌مشی اطلاق می‌شود که از انتخاب گزینه مطلوب به دست می‌آید؛ یعنی محتوا همان طریقی است که ما را به هدف می‌رساند. برای مثال کاهش عوارض گمرکی کالاها، محتوای خط‌مشی اتخاذ شده برای حل مشکل واردات کالاهای مورد نیاز جامعه است. اثر یا نتیجه خط‌مشی نیز بر تغییراتی که به سبب اجرای خط‌مشی حادث می‌شود، دلالت دارد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۲). فرایند خط‌مشی‌گذاری یک چرخه زنده و پویا و مرتبط با هم است و بازخورد آن بعد از ارزیابی اخذ می‌شود که در قالب چرخه شکل ۱ قابل ترسیم است:

---

1. Shafir  
2. Anderson



شکل ۱. فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۲)

اقتصاد رفتاری<sup>۱</sup> به عنوان یکی از رویکردهای نسبتاً جدید در دانش اقتصادی که با هدف ارتقای دانش اقتصادی و نزدیک کردن مدل‌های اقتصادی با واقعیت‌های بیرونی شکل گرفته است، طی چند دهه گذشته اهمیت شایان توجهی دارد. این شاخه از اقتصاد، با بهره‌گیری از نظریه‌های مختلف علوم اجتماعی از جمله روان‌شناسی و جامعه‌شناسی سعی کرده است ضعف‌ها و کاستی‌های مدل اقتصاد متعارف را برطرف کرده و تصویری واقع‌گرایانه‌تر از فرایندهای اقتصادی ترسیم کند. از دیگر سو، یکی از حوزه‌هایی که در اقتصاد همواره مورد توجه قرار داشته، بحث سیاست‌گذاری عمومی و پیوند میان علم اقتصاد و سیاست بوده است. باید اشاره داشت در این

1. Behavioral Economics

زمینه از دهه ۱۹۵۰ به بعد، منطقه مرزی اقتصاد و علوم سیاسی مجموعه‌ای غنی از آثار رهگشا یا پیشگام را خلق کرده که توانسته آثاری شگرف بر روی هر دو حوزه مطالعاتی داشته باشد (محمدپور، ۱۳۹۷). تاکنون تعریف‌های بسیاری از سوی اندیشمندان اقتصاد رفتاری ارائه شده است که در این زمینه می‌توان به تعریف‌های کاتونا<sup>۱</sup> (۱۹۸۴)، کلارک<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، لوونستاین<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)، سیمون<sup>۴</sup> (۱۹۸۵) و ... اشاره کرد که در مجموع، می‌توان براساس آن‌ها اقتصاد رفتاری را این چنین تعریف کرد و ویژگی‌های آن را برشمرد:

اقتصاد رفتاری شاخه‌ای از اقتصاد است که با یک رویکرد بین‌رشته‌ای، درصدد است تا بنیان‌های نظری، دستاوردها و ابزارهای سایر شاخه‌های علوم اجتماعی و انسانی نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی را با اقتصاد پیوند داده و بر این اساس ضمن اصلاح فرضیه‌های اقتصاد متعارف، نظریه‌های واقع‌گرایانه‌تری را برای بررسی جنبه‌های مختلف اقتصادی ارائه کنند. در نهایت نیز بر اساس این نظریات پیش‌بینی‌های دقیق‌تر از تحولات اقتصادی صورت پذیرفته و سیاست‌های مناسب‌تری نیز ارائه شود. ویژگی‌های اقتصاد رفتاری عبارت‌اند از:

۱. رویکرد بین‌رشته‌ای و توجه به تمامی شاخه‌های علوم اجتماعی و انسانی شامل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و ...
۲. بهره‌گیری از تمام جنبه‌های دیگر شاخه‌های علوم اجتماعی شامل نظریه‌ها، ابزارها، و روش‌ها
۳. اصلاح فرضیه‌های اقتصاد متعارف
۴. ارائه نظریه‌های واقع‌گرایانه‌تر و مطابق با رفتار واقعی انسان‌ها که جنبه‌های مختلف ابعاد رفتاری افراد شامل: نیت، اعتقادات و گرایش‌ها را مد نظر قرار داده است.

---

1. Katona  
2. Clark  
3. Loewenstein  
4. Simon



۵. تلاش در جهت ارائه پیش‌بینی‌های دقیق‌تر و سیاست‌های مناسب‌تر و کاراتر (سیمون، ۱۹۸۵).

آموزش‌های مهارتی در قرن حاضر از اهمیت خاصی برخوردار شده است. زیرا بدون داشتن این گونه آموزش‌ها و افرادی که پنجه کارآمد داشته باشند رشد اقتصادی و توسعه پایدار مقدور نمی‌باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای (مهارتی) روشی است برای آشناکردن و تمرین‌دادن افراد برای پرورش مهارت‌های فکری، عملی و اجتماعی، بنابراین، پهنه‌ای بسیار گسترده دارد. بر اساس توصیه یونسکو، همه کشورها نیازمند به یک خط‌مشی منسجم آموزشی هستند، به نحوی که در آن آموزش‌های مهارتی به عنوان یک بخش اساسی از این سیستم یکپارچه دیده شده باشند. این در حالی است که از جمله مشکلات مطروحه در بخش آموزش مهارتی مشخص نبودن الگوی توسعه و در نتیجه نامشخص بودن جهت‌گیری مناسب آموزش‌های مهارتی در کشور است (گلاستر و برتهام، ۲۰۱۷).

رهبر و امیری (۱۳۹۳) در پژوهشی زمینه انتقادهای گسترده و متفاوت را بر روی رویکرد اقتصاد متعارف فراهم کرده و سبب شده بازنگری اساسی در زمینه چارچوب‌های کلی و ایدئولوژیک این اقتصاد صورت گیرد و رویکردهای بدیل در حوزه اقتصاد مطرح شوند. یکی از این رویکردهای بدیل، اقتصاد رفتاری است. اصول لازم جهت تبیین سیاست‌گذاری عمومی براساس رویکرد اقتصاد رفتاری نظیر توجه به تصمیم‌گیری‌های شهودی<sup>۱</sup>، اهمیت رفتارهای اجتماعی، اهمیت باورها و عقاید و ... اشاره شده است و بیان می‌شود مدل‌های سیاست‌گذاری در اقتصاد بسیار پیچیده‌تر و گسترده‌تر از آن است که در مدل‌های متعارف در نظر گرفته می‌شود. یافته‌های پژوهش گلاستر و برتهام<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) نشان‌دهنده پیچیدگی رفتار آموزشی و یادگیری و عوامل تأثیرگذار بر آن است و این رفتار، به طور مؤثری بر نتایج استخدامی و شغلی تأثیرگذار است.

---

1. Gloster & Bertram  
2. Heuristic  
3. Gloster & Bertram

همچنین، گالیزی<sup>۱</sup> (۲۰۱۷)، در پژوهشی نشان دادند دیدگاه‌های فرمول‌بندی سیاست‌ها که مستقیماً از علم رفتاری الهام گرفته شده است، بر نشان‌دادن چالش‌های بالقوه و آینده خود از دیدگاه مفهومی و عملی تمرکز دارد. یافته‌های پژوهش نیگن، بلکلی و هوپ<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) نشان داد مطالعات اخیر در زمینه‌های اقتصاد کار، روان‌شناسی، آموزش و تلاش‌های اخیر در زمینه استفاده از اقتصاد رفتاری، شیوه‌های نویدبخش و مدل‌های توسعه ابزار برای کمک به افراد برای پیگیری اهداف آموزشی است.

در پژوهش حاضر، سیاستگذاری با رویکرد رفتاری در حوزه آموزش مهارتی، برای اولین بار در ایران به طور خاص انجام شده است که موجب شده پژوهش جنبه نوآوری داشته باشد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به پرسش اصلی زیر است:

مدل خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی در ایران کدام است؟

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی از نظر جمع‌آوری داده‌ها کیفی و از نظر شیوه اجرا بر اساس نظریه زمینه‌ای است. در روش نظریه زمینه‌محور یا نظریه را باید کشف کرد و از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده برآمده است، آن را اثبات کرد (استراوس و کوربین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). مشارکت‌کنندگان در پژوهش براساس روش نمونه‌گیری هدفمند به شیوه گلوله‌برفی شامل خبرگان و صاحب‌نظران حوزه خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی بودند که براساس اصل اشباع نظری به تعداد ۱۴ نفر انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختمند بود. در مجموع ۶۵۰ دقیقه مدت زمان کل مصاحبه

---

1. Galizzi

2. Nyhagen, Bleiklie & Hope

3. Strauss & Corbin

بوده است. مصاحبه‌شوندگان براساس آگاهی به موضوع پژوهش برای مصاحبه انتخاب شدند. داده‌های حاصل از مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA2018 تحلیل شد در فرآیند تحلیل داده‌های کیفی از یک فرایند کدگذاری سه مرحله‌ای شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد که مختص روش تحقیق کیفی گردند تئوری است. داده‌های پژوهش از طریق تکنیک بازیابی توسط مشارکت‌کنندگان مورد تأیید و اعتبار قرار گرفت.

برای بررسی روایی و پایایی در روش گردند تئوری با در نظر گرفتن چهار معیار برای ارزیابی نتایج ارائه می‌شوند که عبارت‌اند از باورپذیری<sup>۱</sup>، انتقال‌پذیری<sup>۲</sup>؛ وابستگی<sup>۳</sup> و اعتمادپذیری<sup>۴</sup>. باورپذیری به بازنمایی کافی سازه اجتماعی که محقق در پی بررسی آن است، اشاره می‌کند و برای باورپذیرکردن نتایج، چندین راهبرد را می‌توان به کار گرفت، از جمله بررسی و درگیری طولانی‌مدت با داده‌ها، مشاهده مستمر، سه‌سویه‌سازی، تحلیل داده‌های متضاد، بررسی تفسیرهای داده‌های خام و گفت‌وگو با همکاران؛ انتقال‌پذیری: مشابه تعمیم‌پذیری نتایج در رویکرد کمی به پژوهش است. وابستگی: به ثبات نتایج در طول زمان اشاره می‌کند و تأییدپذیربودن این مؤلفه به میزان تأیید ویژگی‌های داده‌های مورد بررسی پژوهشگر توسط خوانندگان اشاره می‌کند (مؤمنی‌راد، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر برای اعتباربخشی مدل، راهبرد تحلیل مقایسه مداوم (CCDA) صورت گرفته است و پژوهشگر با رفت و آمد مکرر میان مراحل کدگذاری، با پرسش‌های مجدد و مقایسه مجدد نسبت به دقت، سازگاری، ثبات، معناداری و قابل بررسی بودن الگو و یافته‌های پژوهش اطمینان حاصل کرده است، تا نیل به این مرحله، با روش CCDA اصلاح‌های لازم انجام گرفته است و در نتیجه الگوی نهایی هم از تراکم مفهومی و از تمایز مفهومی برخوردار شده است و بدین ترتیب قدرت توضیح‌دهندگی لازم را دارا شده است (فراستخواه، ۱۳۹۵).

- 
1. Credibility
  2. Transferability
  3. Dependability
  4. Conformability

### یافته‌های پژوهش

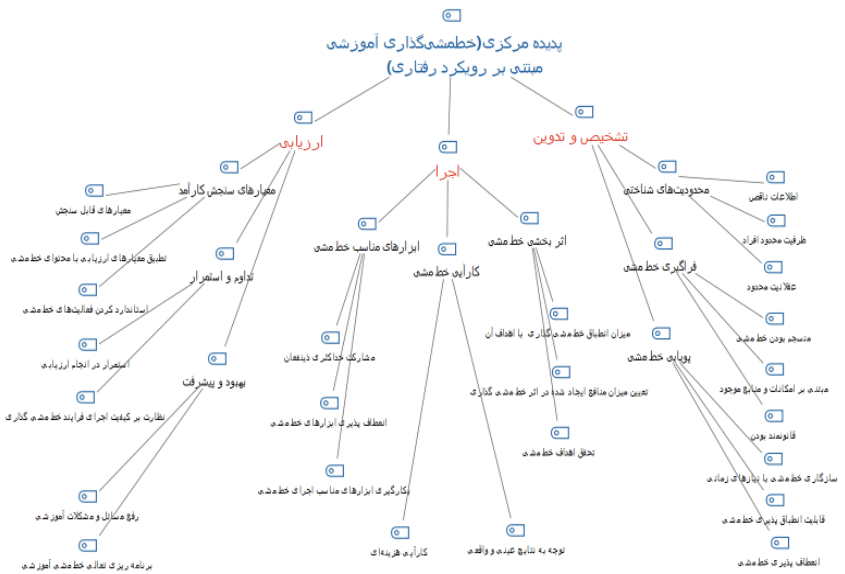
مدل خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی در ایران، که مطابق با داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های پژوهشی که با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA2018 به دست آمد، داده‌های خلاصه‌شده در مرحله کدگذاری انتخابی به ۶ مقوله پدیده مرکزی، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها و نتایج طبقه‌بندی شد. این یافته‌ها در قالب جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مدل خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری

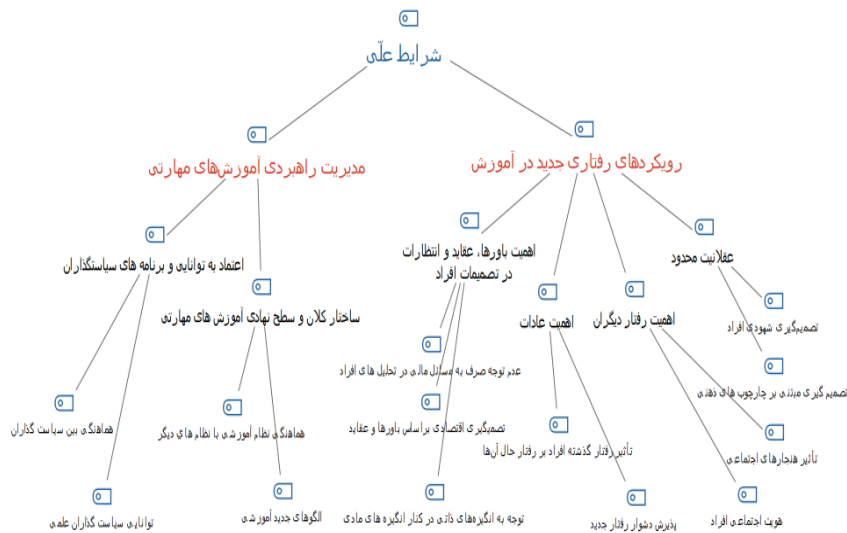
ابعاد	مؤلفه‌ها	زیرمؤلفه‌ها
پدیده مرکزی	تشخیص و تدوین	محدودیت‌های شناختی
		فراگیری خط‌مشی
		پویایی خط‌مشی
	اجرا	اثر بخشی خط‌مشی
		کارایی خط‌مشی
		ابزارهای مناسب خط‌مشی
ارزیابی		معیارهای سنجش کارآمد
		تداوم و استمرار
		بهبود و پیشرفت
شرایط علی	مدیریت راهبردی آموزش‌های مهارتی	اعتماد به توانایی و برنامه‌های سیاستگذاران
		ساختار کلان و سطح نهادی آموزش‌های مهارتی
	رویکردهای رفتاری جدید در آموزش	عقلانیت محدود
		اهمیت رفتار دیگران
		اهمیت باورها، عقاید و انتظارات در تصمیم‌های افراد
شرایط زمینه‌ای	بسترهای قانونی	اهمیت عادات
		قوانین و مقررات
		اسناد بالادستی

ابعاد	مؤلفه‌ها	زیرمؤلفه‌ها	
	مسائل سیاسی و فرهنگی	ملاحظات سیاسی	
		ملاحظات فرهنگی و اجتماعی	
	مسائل اقتصادی	اقتصاد کلان	
		منابع مالی	
عامل مداخله‌گر	نگرش نسبت به خط‌مشی‌گذاری آموزشی	اهمیت خط‌مشی‌گذاری برای تصمیم‌گیرندگان	
		فضای حاکم بر آموزش‌های مهارتی	
راهبردها	به‌کارگیری فرایندهای روان‌شناختی	عوامل روان‌شناختی فردی	
		یادگیری اجتماعی	
	پیااده‌سازی بهینه خط‌مشی	الزامات اجرایی خط‌مشی آموزشی	
		دسترسی به منابع و امکانات	
	ارتقای شرایط خط‌مشی‌گذاری آموزشی	محیط خط‌مشی‌گذاری	
		تولیت خط‌مشی‌گذاری	
		ارزیابی خط‌مشی	
	پیامدها و نتایج	پویایی و سازگاری آموزش با محیط	بازار کار
			تعامل با محیط
		بهبود سرمایه انسانی	توسعه فردی افراد
بهبود ویژگی‌های اجتماعی افراد			
توسعه اجتماعی و اقتصادی		توسعه اقتصادی	
		توسعه فرهنگی و اجتماعی	

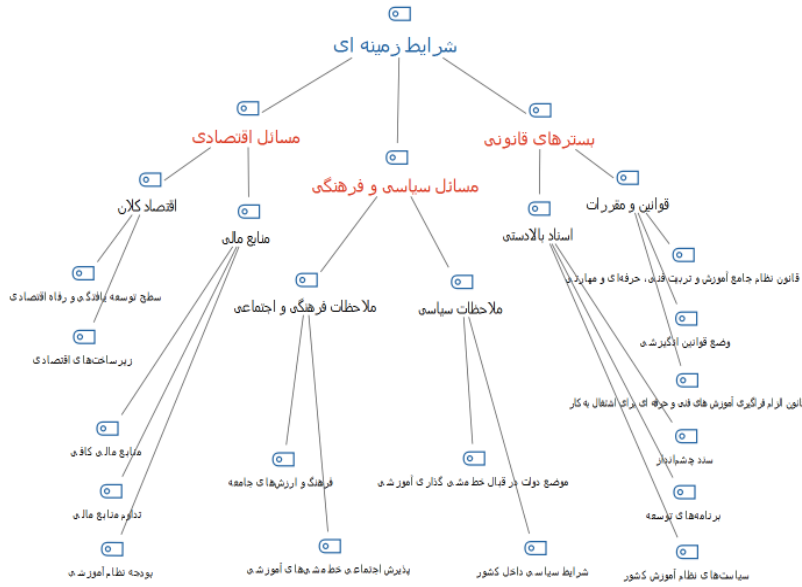
پدیده مرکزی مدل شامل مؤلفه‌های تشخیص و تدوین، اجرا و ارزیابی می‌شود. مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌ها و شاخص‌های هر یک از ابعاد که بر اساس نرم‌افزار MAXQDA2018 تحلیل شد، در شکل‌های ۲ تا ۷ نمایش داده شده است.



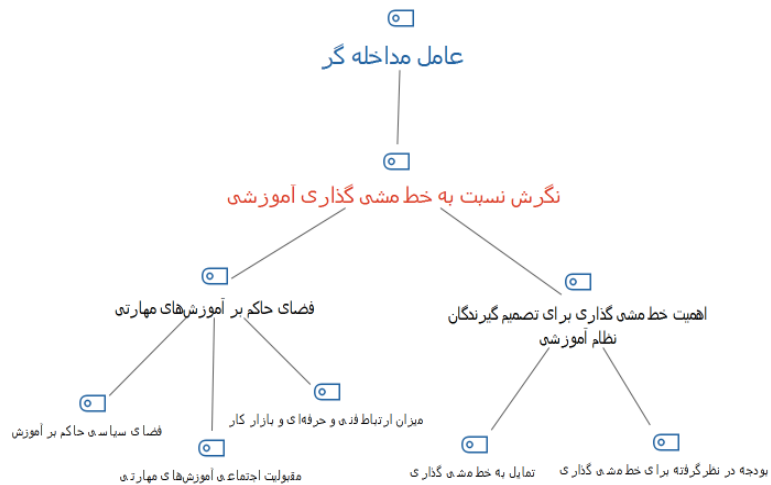
شکل ۲. مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌ها و شاخص‌های پدیده مرکزی (خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری)



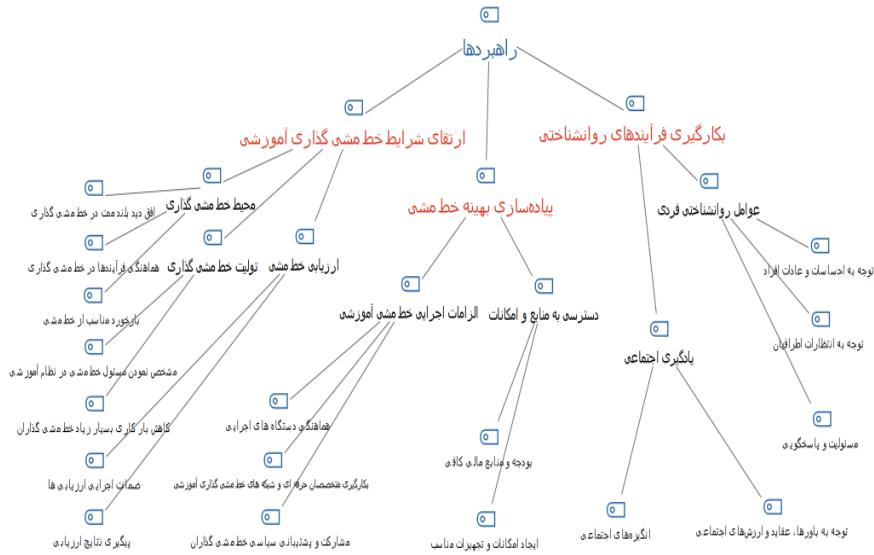
شکل ۳. مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌ها و شاخص‌های شرایط علی



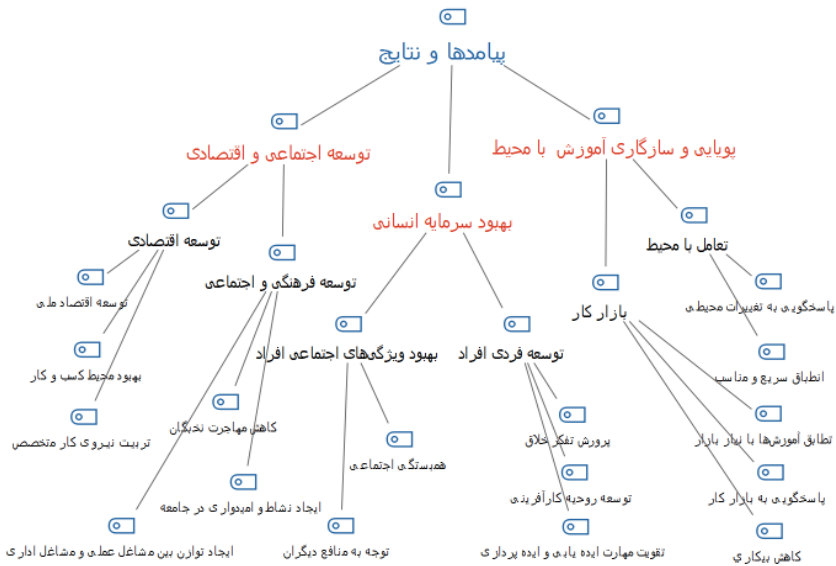
شکل ۴. مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌ها و شاخص‌های شرایط زمینه‌ای



شکل ۵. مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل مداخله‌گر



شکل ۶. مؤلفه ها، زیرمؤلفه ها و شاخص های راهندها



شکل ۷. مؤلفه ها، زیرمؤلفه ها و شاخص های پیامدها و نتایج

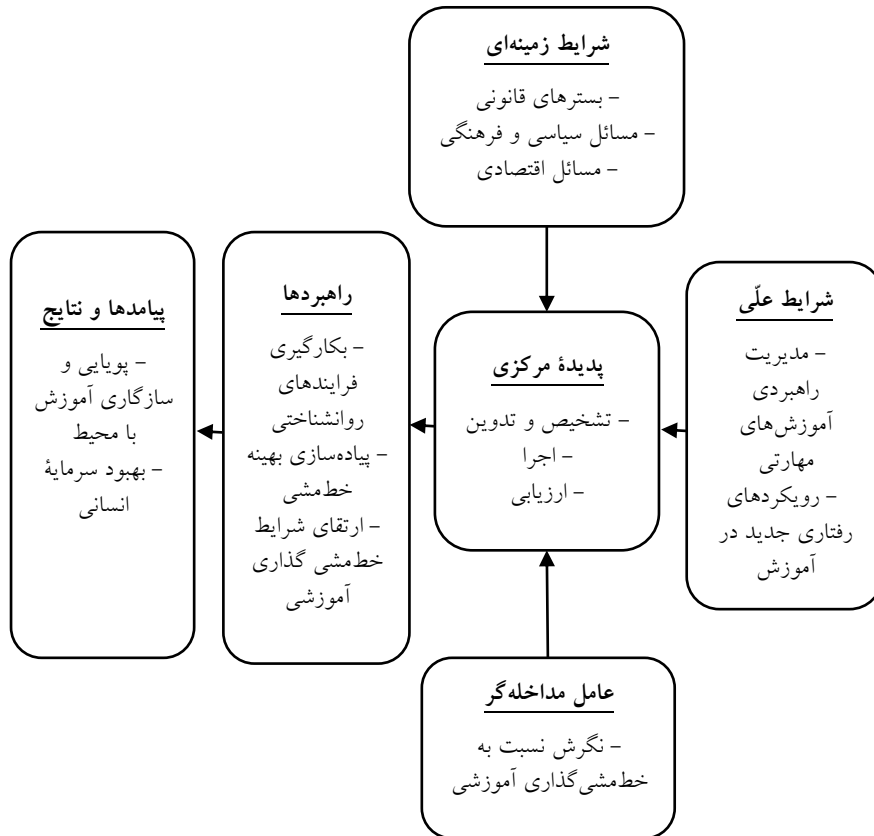


## بحث و نتیجه‌گیری

امروزه جامعه با بیکاری و فقدان مهارت نیروی کار مواجه است و مقوله کاهش گرایش به مهارت‌آموزی به یکی از نگرانی‌های اصلی سیاست‌گذاران حوزه آموزش و اشتغال تبدیل شده است. اگرچه دامنه این مسئله به حوزه‌های دیگر اجتماع نیز کشیده شده است، نتایج سیاست‌های اعمال شده به‌منظور کاهش مصرف قابل توجه نبوده است. نکته اینجاست که نگرش حاکم بر این نوع سیاست‌گذاری نگرش نئوکلاسیک یا نگرش استاندارد و مرسوم علم اقتصاد است و این در حالیست که مطالعات اخیر صورت گرفته در اقتصاد رفتاری نشان داده است این نگرش چندان قابل‌انکاس نیست. نکته‌ای که در حال حاضر بسیار اهمیت دارد، باور سیاست‌گذاران ارگان‌های دولتی ایران به ضعف نگرش مرسوم در علم اقتصاد و تأثیرگذاری کاربست بینش‌های رفتاری در این حوزه است (محمدپور، ۱۳۹۷).

به منظور رسیدن به هدف پژوهش که تعیین ابعاد و مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری و همچنین ارائه مدل مناسب بود، پس از انجام مصاحبه، ابتدا با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف تلاش شد تا کدهای آن استخراج شوند. متن هر مصاحبه چندبار خوانده و جملات اصلی آن استخراج شد و به صورت کدهایی ثبت شد. این فرایند به صورت کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد.

در مجموع، می‌توان گفت با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، تحقیق کاملی در زمینه خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی در ایران انجام نشده است و نتایج پژوهش حاضر می‌تواند باعث ارتقای سطح آموزش‌های مهارتی در ایران شود. در نهایت، می‌توان گفت مدل پیشنهادی پژوهش برای خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری را می‌توان به صورت شکل ۸ ارائه کرد.



شکل ۸. مدل خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری

ابعاد و مؤلفه‌های مدل خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری که بر اساس تئوری داده‌بنیاد (پدیده مرکزی: مؤلفه‌ها و ابعاد مفهوم خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری، شرایط علی: شرایطی که باعث به‌وجود آمدن یا تسهیل و تسریع در به‌وجود آمدن پدیده مرکزی می‌شود، شرایط زمینه‌ای: متغیرهای کلانی که باعث تأثیر یا عدم تأثیر عوامل علی بر پدیده می‌شوند، عامل مداخله‌گر: یعنی شرایط و عواملی که باعث اخلال در روند خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری می‌شوند، راهبردها: اقدامات یا کنش‌هایی که با پدیده محوری در

ارتباط است و در نهایت، نتایج و پیامدها: نتایج و پیامدهایی که خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری به دنبال دارد) می‌باشد. مؤلفه‌هایی مانند تشخیص و تدوین، اجرا و ارزیابی جزء اجزای اصلی مفهوم خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی هستند. این یافته متناسب با پژوهش الوانی و شریف‌زاده (۱۳۹۲) است.

همچنین، عواملی که باعث توسعه یا عدم توسعه خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی می‌شوند و باید مورد توجه قرار بگیرند، عبارت‌اند از مدیریت راهبردی آموزش‌های مهارتی و رویکردهای رفتاری جدید در آموزش است که لزوم برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مناسب را در این حوزه بسیار چشمگیر کرده است. از طرفی، بر توجه به عوامل و شرایط زمینه‌ای که می‌تواند همه ابعاد و مؤلفه‌های خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری را تحت تأثیر قرار دهد، بسیار حیاتی است. این شرایط زمینه‌ای شامل بسترهای قانونی، مسائل سیاسی و فرهنگی و مسائل اقتصادی شدند. در این بین، راهبردهایی وجود دارند که در کنش با خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری هستند که شامل به‌کارگیری فرایندهای روان‌شناختی، پیاده‌سازی بهینه خطمشی و ارتقای شرایط خطمشی‌گذاری آموزشی است. شرایط و عوامل دیگری نیز وجود دارند که تحت عنوان متغیرها یا عوامل مداخله‌گر نام برده می‌شود، این عامل بر رابطه بین پدیده مرکزی (خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری) و شرایط علی و همچنین، رابطه بین پیامدها و پدیده اصلی، تأثیرگذار بوده یا به اصطلاح نقش مداخله‌گر را ایفا می‌کنند، توجه به این عامل در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری خطمشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی بسیار اهمیت دارد، این عامل شامل نگرش نسبت به خطمشی‌گذاری آموزشی است. در این پژوهش پیامدها و نتایجی شامل پویایی و سازگاری آموزش با محیط، بهبود سرمایه انسانی و توسعه اجتماعی و اقتصادی شناسایی شدند. در مجموع، این یافته‌ها متناسب با پژوهش‌های رهبر و امیری (۱۳۹۳)، الوانی و شریف‌زاده (۱۳۹۲)، گلاستر و برتهام (۲۰۱۷)، و نیگن، بلکلی و هوپ (۲۰۱۷) است.

در نهایت، می‌توان گفت لزوم توجه سیستمی و همه‌جانبه به همه ابعاد و مؤلفه‌های مدل

خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری الزامی بوده و باعث توسعه یکپارچه و اثربخش ایران در زمینه آموزش‌های مهارتی می‌شود. امید است با استفاده از مدل ارائه‌شده در این پژوهش و فراهم کردن شرایط مناسب، اثربخشی خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری توسط سیاست‌گذاران را برای نظام آموزشی کشور به خصوص در حوزه نظام آموزش مهارتی بهبود بخشد.

پژوهشگر امیدوار است با شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری و ارائه مدل پیشنهادی، بستر مناسبی برای تحقیقات آتی در این زمینه فراهم کند. بنابراین، به پژوهشگران دیگر توصیه می‌شود:

➤ تحقیقی با هدف بررسی اثر بخشی برنامه‌های خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی در ایران انجام گیرد.

➤ تحقیقی با هدف پیاده‌سازی و ارزشیابی برنامه‌های خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی انجام گیرد و موانع پیش رو بررسی شود.

حرکت به سوی هر هدفی، توسط محدودیت‌ها و مشکلات دچار کندی یا توقف می‌شود. این محدودیت‌ها برای پژوهش حاضر شامل زمان‌بر بودن فرایند پژوهش، عدم همکاری گزینش‌شدگان برای مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته، عدم ارائه اطلاعات مورد نیاز به واسطه دستورات مدیران ارشد و عدم اعتماد مصاحبه‌شوندگان به پژوهشگر در راستای عدم انتشار مصاحبه‌های ایشان نیز بوده است. بزرگ‌ترین مشکل پژوهشگر در اثنای انجام پژوهش حاضر، شناسایی و برقراری ارتباط با مطلعان کلیدی فرایند مورد مطالعه بود.

## منابع

- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)*. ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- الوانی، سید مهدی، و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۲). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- رهبر، فرهاد و امیری، میثم (۱۳۹۳). *اقتصاد رفتاری و سیاست‌گذاری عمومی*. برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۲۷، ۱۸۲-۱۴۷.
- ضابط‌پورکردی، حسین، امین بیدختی، علی اکبر، محمدرضایی، علی، و صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۹۷). *مطالعه عوامل مؤثر و زمینه‌ساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی در ایران*. *آموزش عالی ایران*، ۱۰(۲)، ۴۶-۲۱.
- عباسی، طیبه، قلی‌پور، رحمت‌الله، و هادی، مهدی (۱۳۹۶). *شناسایی عوامل تسهیل‌کننده شواهدمحورکردن فرایند خط‌مشی‌گذاری در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری*. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۲۶(۸)، ۸۴-۶۵.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). *روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه پایه (گرنند تئوری، GMT)*. تهران: انتشارات آگاه.
- محمدپور، میر حسین (۱۳۹۷). *ضرورت به‌کار بستن اقتصاد رفتاری در سیاست‌گذاری انرژی*. *اقتصاد شهر*، ۳۴، ۳۸-۳۳.
- مؤمنی‌راد، اکبر، علی‌آبادی، خدیجه، هاشم‌فر، دانش، مزینی، ناصر (۱۳۹۲). *تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج*. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۴، ۲۲۲-۱۸۷.
- نفیسی، علیرضا (۱۳۹۵). *درآمدی بر مدیریت سیاست‌های تغییر رفتار*. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

Galizzi, M. (2017). *Behavioral aspects of policy formulation: experiments, behavioral insights, nudges*. Edward Elgar Publishing, Cheltenham, UK.

Nyhagen, G. M., Bleiklie, I., & Hope, K. (2017). *Policy instruments in European Universities: Implementation of higher education policies*. Managing Universities.

- R Gloster, C Bertram, J Buzzeo, L Fletcher, A Tassinari (2017). Using behavioural insights to examine benefit claimants' approaches to training opportunities  
publications.aston.ac.uk
- Sanders, M., Snijders, V., & Hallsworth, M. (2018). Behavioural science and policy: where are we now and where are we going?'. *Behavioural Public Policy*, 2(2), 144–167.
- Shafir, E. (2012). *The behavioral foundations of public policy*. Princeton University Press.
- Simon, H. A. (1985). *Models of bounded rationality*. Cambridge, MA: MIT Press.